

# نامه به رئیس جمهور ممالک متحده آمریکا و درخواست عدم دخالت علیه ملت ایران

بتاریخ ۱۳۵۷/۹/۱۴

حضرت پرزیدنت کارتر  
رئیس جمهور ممالک متحده آمریکا

شما اعلامیه ها و اظهار نظرهای متعددی درباره رژیم حاضر ایران و عملیات شاهنشاه در ظرف دو سال اخیر صادر کرده اید که غالب آنها محتوی سه یا چهار نکته از مطالب ذیل بوده است:

۱- تأیید و تشویق از اقدامات شاه در جهت اعمال قدرت نظامی

۲- تأکید و توصیه برنامه آزادیبخشی (Liberalisation) و رعایت حقوق بشر در ایران

۳- عدم قصد مداخله در امور داخلی کشورهای دیگر

۴- علاقه دولت آمریکا بر وجود نظم در ایران و نیرومندی دولت بمنظور ثبات و صلح منطقه و حفظ منافع آمریکا

در مورد مطلب آخر ما ایراد اصولی نداریم، شما در برابر هموطنان و انتخاب کنندگان خود مسئول بوده طبیعی است که از منافعشان دفاع کنید، از این بابت هم که میان منافع ما و شما چه تناقض یا چه امکان توافق وجود دارد صحبتی نمی نمائیم. مسئله سیاسی است و خارج از اساسنامه حقوق بشر.

در مورد مطلب سوم اعتراض نداشته تشکر میکنیم به شرط آنکه واقعیت و حقیقت داشته و گفتار با کردار تطبیق نماید.

مطلب دوم و تأکیدهای مکرر شما مبنی بر ادامه برنامه های آزادیبخشی و دموکراسی در ایران البته مورد استقبال است.

پافشاری برای اجرای حقوق بشر عاملی بوده که در بروز و تحول اوضاع دو ساله اخیر کشور ما تاثیر بسزا داشته است و همین مطلب به جمعیت ما اجازه داده است که با شما مکاتبه کنیم.

نظربه اینکه رعایت حقوق بشر و نظارت بر اجرای آن تعهدی است که دولتهای جهان از جمله ایران و آمریکا بگردن گرفته اند ایراد به جمعیت ما، نه از نظر اتیکت سیاسی و رسوم دیپلماسی و نه از جهت مقررات داخلی، وارد نخواهد بود که با شخصیتی مثل شما در زمینه حقوق بشری ملت خودمان مکاتبه و بحث بنمائیم.

اما مطلب اول:

اگر تائی و تشویقهای شما بصورت کلی در حدود تشریفات دیپلماتیک و تعارفات دوستانه بود جا داشت ملت و دولت ایران نسبت به چنین احساسات سپاسگزار باشند، اما در موقعی دست حمایت شما به پشت شاه ایران گذارده شده است که ایشان دست به شدیدترین اقدامات نظامی ضد آزادی و دموکراسی، ضدقانون اساسی و ضد حقوق بشری علیه ملت ایران میزده است، به این ترتیب مطلب اول در جهت خلاف مطلب دوم رخ داده و ریاست جمهوری آمریکا هربار حق کثی و اهانت غیر قابل گذشت نسبت به ملت ایران روا داشته اند.

چنان نیز نبوده است که قضیه به یک تعارف سیاسی ختم شده باشد بلکه پادشاه ایران در تبلیغات داخلی و خارجی برای تحکیم موضع سیاسی خود و در تشدید آدم کشی، و خشونت حداکثر بهر ه برداری را از اعلامیه های حساب شده آن حضرت کرده اند.

بطور نمونه میتوانیم دو ملاقات شمارا با شاه در واشنگتن و تهران ذکر کنیم و اعلامیه و مکالمه بعد از برقراری حکومت نظامی در ۱۳ شهر ایران و روی کار آمدن اخیر دولت نظامی را مثال بیاوریم.

شود و موارد فوق به ملت ایران اجازه میدهد از خود بپرسد حضرت رئیس جمهور آمریکا چه داعی دارد که منظمأ و در لحظات حساس عملیات پادشاهی را که خودش در پیام به ملت اقرار کرده در تمام دوران سلطنت برخلاف قانون اساسی عمل مینموده، استبداد مطلق در کشور برقرار کرده، حزب واحد اجباری تاسیس نموده و در اثر مدیریت غلط و فساد عجیب دستگاه دولت زیر فرمان، علیرغم ادعای اصلاحات و تمدن بزرگ، اقتصاد مملکت و زندگی مردم را به نیستی کشانده است، صحنه بگذارند و نمک بر زخم مردم ایران بپاشند.

اخراج ها و محاکمات کسانی که تا دیروز به دستور و انتخاب شاه در عالیترین و حساسترین پست ها گماشته شده بودند آیا گواه روشن بر جنایات عمدی گذشته و امکان تکرار در آینده نیست و بطور غیر مستقیم هم که باشد شائبه شریک جرم بودن برای سیاست آمریکا را بوجود نمی آورد؟

هموطنان ما از خود میپرسند چرا رئیس جمهور کشور دموکراتیک نیرومندی به جنبش آزادیخواهی و استقلال ملتی که از پایه گذاران فرهنگ و تمدن جهان است و دنیا ناظر و تحسین کننده قیام حق طلبانه او میباشد رنگ تعصب و عقب ماندگی یا ضدیت با تمدن و دموکراسی میدهد و به غلط تصور و اعلام مینماید که چون اصلاحات و تجدید خواهی شاه مافوق ظرفیت مردم بود چنین واکنشها ظاهر گردیده است؟ آیا چنین طرز فکر و اظهار و اصرار توهین به ملت ایران نیست؟

آیا تظاهرات و تجمع های عظیم و مکرر مردم پایتخت و شهرستانها و بازار بندیهای سراسر ایران طبیعی ترین و معنی دارترین رفتار مردم ملی علیه نظام حاکم نباید تلقی شود؟

آیا پیوند محکمی راکه میان مدرسه و مسجد و بازار و کوچه از یکسال ونیم پیش برقرار شده و اخیراً اداره و کارخانه به آن پیوسته اند باید به رجاله ها و فریب خوردگان نسبت داد؟

آیا نباید ملت ایران را مشمول اعلامیه جهانی حقوق بشر دانسته به او حق داد نظام حکومتی دلخواه خود را انتخاب نماید؟ سیاست کشتار و آزار و برنامه های نظامی شاه ایران از نظر شما حفظ نظم و امنیت و نظم داخلی کشور و دفاع از منافع خارجیان است ولی از نظر ملت ایران و بنا به واقعیت های ملموس، یعنی بیرحمانه چتربازان دولتی و کوبیدن و کشتن دانشجویان دختر و پسر که به گردش کوهستانی میروند، زنده آتش زدن / ۶۰۰ نفر تماشای سینما، تیراندازی و تجاوزهای ناگفتنی و قتل و عام مردان و زنان نمازگزار یا در حال استماع موعظه در مساجد و اماکن مقدس مذهبی، کشتار از هوا و زمین بیش از / ۴۰۰۰ نفر زن و مرد در یک میدان پایتخت، برهم زدن آرامش و امنیت و کشتن و سوزاندن بیدریغ مردم و مغازه ها در تک تک شهرها. . . .!

اما مسئله منافع اقتصادی و سیاسی منطقه ای دولت آمریکا و احتراز از سقوط ایران در دام بلوک مخالف، آیا حتماً و صرفاً درسایه حکومت استبدادی دشمن حقوق بشری تامین میشود؟ درجاهای دیگر دنیا که حکومت های ملی و قانونی دارند آیا استقلال سیاسی آنها و منافع و حقوق حقه همسایگان و بیگانگان پایمال میشود؟

بدیهی است که این جمعیت از حضرت رئیس جمهور آمریکا نمیخواهد که برای دفاع از حقوق مردم ایران در امور مملکت ما دخالت نمایند، بلکه میخواهیم با بیان وبا سیاست خود تقویت و دخالت علیه ملت ایران نفرمایند.

**هیئت اجرائی جمعیت ایرانی دفاع از آزادی حقوق بشر**

**امضاء: مهندس مهدی بازرگان**